

کیفیت توزین اعمال در قیامت در منابع تفسیری فریقین بر اساس آیه ۴۷ انبیاء

* علیرضا غلام‌پور

** عبدالرحیم خلف مراد

چکیده

بخشی از آیات قرآن کریم از جمله آیه ۴۷ انبیاء بیانگر کیفیت و نحوه سنجش اعمال در روز قیامت است. درباره چگونگی محاسبه اعمال و دامنه افراد حاضر در قیامت سوال‌های متعددی وجود دارد. این مقاله بر آن است تا با ارائه آراء مفسران و قرآن‌پژوهان فریقین و مقایسه دیدگاه‌های آنها درباره «وسیله توزین اعمال»، «انسان‌هایی که اعمالشان مورد محاسبه و توزین قرار می‌گیرند» و «علت توزین اعمال از سوی خداوند» بپردازد. سنجش اعمال در قیامت حتمی است و اعمال خوب مورد توزین واقع می‌شوند و خداوند با قرار دادن موازین بسیار مبتنی بر عدل، محاسبه الهی دقیقی را به منظور تحقق عدالت و پاداش به نیکوکاران انجام می‌دهد. آنچه به عنوان میزان در قرآن و روایات آمده، مقصود سنگینی ثواب عمل و ارزشمندی آثار عمل صالح است که به حق قضاوت شده و عادلانه محاسبه می‌گردد و به کسی ظلم نمی‌شود. همچنین عمل کافران به خاطر بی‌ارزش بودن و بی‌وزنی مورد سنجش قرار نمی‌گیرد.

واژگان کلیدی

آیه ۴۷ انبیاء، سنجش اعمال، توزین اعمال، وسائل توزین.

*. مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان و دانش‌آموخته دکتری دانشگاه معارف اسلامی.

gholampoor47@yahoo.com

khalafmorad48@gmail.com

** مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۰

طرح مسئله

یکی از پرسش های مهم این است که خداوند چگونه اعمال انسان را مورد محاسبه قرار می دهد؟ خدایی که به تمامی اعمال بندگانش آگاه است، آیا به محاسبه اعمال آدمی نیازی دارد؟ خداوند در آیه ۴۷ سوره انبیا فرموده: «وَتَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ...؛ و در روز رستخیز میزان های دادگری را می نهیم ...». به راستی معیار و وسیله این میزان چیست؟ آیا منظور، همان وسیله ای است که برای سنجیدن وزن یا محاسبه کیفیت و کمیت چیزی از آن استفاده می شود؟ چه چیزی در این میزان و محاسبه سنجیده می شود؟ آیا اعمال انسان قابل توزین است؟ چگونه ممکن است اعمالی که جسمیت ندارند، مورد سنجش واقع گردد؟ اگر توزین اعمال به همان صورتی است که ما تصور می کنیم، این رویکرد چگونه می تواند مسئله عدم جسمیت اعمال را حل کند؟ اگر این گونه نیست، چه چیزی مورد سنجش و محاسبه قرار می گیرد؟

مفهوم شناسی

الف) میزان

در قرآن کریم مطالب بسیار مهمی در خصوص اعمال انسان و کیفیت تأثیر آن بر جایگاه او در قیامت و جهان اخروی بیان گردیده؛ به گونه ای که دومین موضوعی که قرآن و انبیا پس از توحید به آن اشاره کرده اند، مسئله قیامت و منزلگاه های آن است.

میزان؛ یعنی هر آن چیزی که بر آن سنجشی انجام می گیرد. (مصطفوی، ۱۳۸۸: ۹۸/۱۳) میزان

- به جز معنایی که در این پژوهش آمده - به معانی مختلفی در قرآن به کار رفته است؛ همانند:

۱. سنجش کالا و مبادلات مالی: «وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ؛ (هود / ۸۵) و ای قوم

[من]! پیمانان و ترازو را بر طبق دادگری کاملاً ادا کنید».

۲. هماهنگی و نظم در آفرینش: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ؛ (الرحمن / ۷) و آسمان را

برافراشت و ترازو [و معیار] را نهاد».

۳. تشریح عادلانه الهی: «وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ (حدید / ۲۵)

و همراه آنان کتاب [الهی] و ترازو را فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند».

ب) عدل

امام علی علیه السلام، عدل را این گونه معنا کرده: «العدل يضع الامور مواضعها» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷)

مقصود از عدل در قیامت عدل جزایی است؛ بدین بیان که پاداش و کیفر اعمال انسان به گونه‌ای عینی و به صورت تجسم عمل است.

ج) حق

«حق» نیز به معنای مطابقت با واقع است؛ یعنی در قیامت سنجش براساس حقیقت است؛ زیرا معیار سنجش، خداوند و انبیای الهی اند. به نوعی بین نفس عمل و پاداش و کیفر، عینیت و مطابقت وجود دارد و هر کس دقیقاً همان چیز را دریافت می‌کند که در دنیا انجام داده است.

آیات مربوط به مفهوم میزان در قیامت

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ. (انبیاء / ۴۷)

و در روز رستخیز میزان‌های دادگری را می‌نهییم و هیچ کس به [کمترین] چیزی ستم نمی‌شود و اگر [کردارشان] هم‌وزن دانه‌ای از سپندان باشد، آن را می‌آوریم و حسابرسی ما کافی است.

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ. (مؤمنون / ۱۰۳ - ۱۰۲)

و کسانی که میزان‌های [عمل] آنان سنگین است، پس تنها آنان رستگاران اند، و کسانی که میزان‌های [عمل] آنان سبک است، پس آنان کسانی هستند که به خودشان زیان رسانده‌اند [و] در جهنم ماندگارند.
فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ * فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ * وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ * فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ... (قارعه / ۹ - ۶)

و اما کسی که [در آن روز] ترازوهای [اعمال] او سنگین است، پس او در زندگی رضایت‌بخش است، و اما کسی که ترازوهای [اعمال] او سبک است، پس بازگشتگاه او ساقط شدن [در دوزخ] است...

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَ مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ. (اعراف / ۹ - ۸)

و در آن روز، سنجش [اعمال] حق است و کسانی که میزان‌های [عمل] آنان سنگین است، پس تنها آنان رستگاران و کسانی که میزان‌های [عمل] آنان

سبک است، پس آنان کسانی هستند که به خودشان زیان رسانده‌اند؛ چراکه همواره نسبت به آیات ما ستم می‌کردند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا. (کهف / ۱۰۵)

آنان کسانی هستند که به نشانه‌های پروردگارشان و ملاقات او کفر ورزیدند و اعمالشان تباہ شد و برایشان در روز رستاخیز هیچ [میزان و] ارزشی نمی‌نهییم.

پیشینه موضوع

در تفسیر مفهوم «میزان»، برخی از قرآن‌پژوهان معتزلی و قاطبه اهل حدیث به ظاهر آن بسنده کرده و آن را به معنای ترازوی دنیایی دانسته و می‌گویند: روز رستاخیز ترازویی همانند ترازوهای دنیایی نصب می‌شود تا اعمال وزن گردد. آنان معتقدند اعمال خوب انسان در یک کفه ترازو و اعمال بد او در کفه دیگر قرار می‌گیرد و هر که عمل خوبش سنگین‌تر باشد، او رستگار است. اما برخی دیگر به ترازویی دقیق برای توزین اعمال در قیامت عقیده دارند که براساس عدل است. در این بین علامه مجلسی بر اصل میزان ایمان دارد، درباره کیفیت و جزئیات آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵ / ۲)

آراء مفسران در معنای میزان و کیفیت آن در قیامت

و نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ. (انبیاء / ۴۷)

وَالْوِزْنُ يُومَدُ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلُمُونَ. (اعراف / ۹ - ۸)

طبرسی ذیل آیه ۸ اعراف می‌گوید: در مورد میزان اقوالی آمده که از همه آنها بهتر، سخن مجاهد، ضحاک و حسن است که گفته‌اند: تمام کارها به عدالت سنجیده می‌شوند و به کسی ظلم نمی‌شود. وی برای مطلوب دانستن این قول می‌گوید: وقتی می‌گوییم گفتار و کردار فلانی موزون است؛ یعنی بی‌جا و نامناسب نیست. ایشان در مورد موازین نیز می‌گویند: بعید نیست در قیامت برای هر نوعی از کارها میزانی نصب گردد. مثلاً برای نماز میزانی است مخصوص نماز و هر که به نماز وفادار باشد، میزان نمازش سنگین می‌شود. (طبرسی، ۱۳۷: ۹ / ۵۵ - ۵۴)

طبرسی در تفسیر آیه ۴۷ انبیاء می‌نویسد: در اصل «ذوات القسط» بوده و مضاف حذف شده و

یا اینکه قسط که به معنای عدل است به دلیل مبالغه صفت موازین است، گویی این موازین خودشان عدل و قسط هستند. در «لیوم القیامه» لام برای اختصاص آمده؛ یعنی برای مردم روز قیامت. در «اتینا بها» نیز ضمیر «ها» مؤنث برای مثنی است که کلمه «جنه» اضافه شده است. اتینا باب مفاعله است؛ یعنی مردم اعمال خود را می آورند و خدا مکافات می دهد. (طبرسی، ۱۳۸۷: ۴ / ۱۵۲) اسفرائینی معتقد است که خداوند روز قیامت با ترازوهای عدل به حساب بندگانش می رسد. ایشان با توجه به حدیثی که از داوود علیه السلام نقل شده، می گوید: داوود علیه السلام از خداوند خواست تا ترازو را به او نشان دهد و چون ترازو بدید، از هوش برفت. بعد که به هوش آمد، گفت: بار خدایا! که طاقت دارد آن را پر کند از حسنات؟ خداوند جواب داد: اگر از بنده ای خوشنود شوم، آن را با یک خرما که دهد، پر می کنم. (اسفرائینی، ۱۴۰۹: ۳ / ۱۳۵۷)

شریف لاهیجی در ذیل آیه ۸ سوره اعراف می نویسد: در حقیقت و کیفیت وزن دو قول است: یکی آنکه اعمال مؤمنین به صورت حسنه، و افعال فجره و کفره به صورت قبیحه مصور می شوند و آن صورت را می سنجند. دیگر آنکه صحایف اعمال را به وزن می گذارند. وی معتقد است آنچه تحت عنوان موازین در این آیه آمده، جمع موزون است که مراد از آن «عمل» است. (لاهیجی، ۱۳۷۳: ۲ / ۵)

شیخ صدوق در تفسیر آیه «فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ» به نقل از امام علی علیه السلام می گوید: «فانها یعنی الحساب توزن الحسنات والسيئات والحسنات ثقل الميزان والسيئات خفه الميزان؛ پس آن یعنی حساب خوبی ها و بدی ها را با خوبی ها توزین می کنند و خوبی ها موجب سنگینی میزان، و بدی ها باعث سبکی میزان است». (صدوق، ۱۳۸۷: ۲۵۹)

عبدالحسین طیب در مورد آیه ۴۷ سوره انبیاء می گوید: میزان هر چیز، مناسب خود اوست. مثلاً میزان در قضایا علم منطوق است و میزان بنایی شاقول است. از این رو، هر انسانی دارای موازینی است و یک میزان وجود ندارد. بنابراین انبیا و اوصیا میزان حق و باطل هستند. او بر این باور است که قرآن میزان اعمال است؛ عدل میزان اخلاق است و دستورهای اخبار میزان صحت و فساد است. وی در مورد میزان اعمال و اینکه اعمال جسمیت ندارند، معتقد است که نمی توان بر آن ایراد گرفت. (طیب، ۱۳۷۸: ۵ / ۲۷۷ - ۲۷۶)

طیب به این روایت امیرمؤمنان علیه السلام باور دارد که فرمود: «ائمہ الکفر و قاده الضلاله فاولئک لایقیم لهم یوم القیامه وزنا؛ رهبران کفر و گمراهی برای روز قیامت اعمالشان وزنی نخواهد داشت». (طیب، ۱۳۷۸: ۵ / ۲۷۷)

حویزی در تفسیر آیه ۴۷ سوره انبیاء می گوید: امام صادق علیه السلام در پاسخ به هشام بن سالم فرمود

که مراد از «موازن القسط»، انبیا و اوصیا هستند. همچنین آن حضرت در مورد توزین اعمال در قیامت بیان داشت که اعمال وزن نمی‌شوند؛ زیرا اعمال عَرْض هستند و هنگامی وزن می‌شوند که نسبت به آن جاهل باشند، حال آنکه چیزی بر خدا پوشیده نیست. منظور از توزین، عدل است؛ یعنی اعمالش رجحان داشته باشد. (حویزی، ۱۳۴۲: ۳ / ۴۳۰)

برخی دیگر از مفسران «موازن» را چیزی می‌دانند که به آن وزن شود. آنها معتقدند مفرد بودن قسط برای آن است که موازن وحدت دارد و بدل از آن است. برای هر فعل و قول و حالت، میزان خاصی وجود دارد؛ مانند «فحق الصلاة وزن لها». در اینجا حق به معنای مطابقه با عین و واقع نماز است؛ یعنی نماز انسان را با میزان نماز حقیقی می‌سنجند. وی معتقد به وزن صحایف اعمال است. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۹ و ۳۱۰)

صاحب تفسیر *الفرقان* بر آن است که قسط در این آیه و سایر آیات فوق بالاتر از عدل بوده و برتر از حق است. وی معتقد است که خداوند بیش از عمل صالحین به ایشان ثواب می‌دهد و نسبت به بدکاران نیز عقوبتی می‌دهد که از منافی با عدل، کمتر نباشد. از دیدگاه این تفسیر، حق همان قسط است و هر دوی اینها موازن هستند که در کتاب‌های آسمانی و انبیا متجلی اند و هر کدام از اینها در میزان بودن خود جوانبی دارند که اقوال و اعمال و احوال با آن توزین می‌شوند و درعین حال همچنان که باطل وزنی ندارد، میزانی ندارند. (همان)

این مفسر رأی خود را برپایه این روایت امام صادق علیه السلام استوار کرده است: «ان الخیر ثقل علی اهل الدنیا علی قدر ثقله فی موازینهم یوم القیامه و ان الشر خف علی اهل الدنیا علی قدر خفته فی موازینهم یوم القیامه؛ همانا خیر و خوبی سنگینی اعمال دنیایی است و به اندازه سنگینی [خیر] آن در میزان قیامت هم لحاظ می‌شود، و همانا شر و بدی مایه سبکی اعمال دنیایی است و به این میزان در قیامت اعمالشان سبک خواهد بود». (همان: ۱۱ و ۳۵)

قمی نیز ذیل آیه ۴۷ سوره انبیاء آورده است: میزان؛ یعنی عدل که با آن صحایف اعمال را می‌سنجند. (قمی، ۱۳۶۸: ۸ / ۴۲۱)

عده‌ای نیز بر این باورند که حقیقت میزان، تجسم اعمال است که به صورت جوهر در عالم آخرت خود را نشان می‌دهد؛ بدین بیان که اعمال خوب به صورتی زیبا خود را نشان می‌دهد و اعمال بد نیز به صورتی زشت. (امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ۸ / ۲۸۳)

صاحب تفسیر *آسان* نیز با عنایت به آیه ۴۷ انبیاء، ترازو برای سنجیدن اعمال را امری انکارناپذیر می‌داند و می‌گوید: این میزان، ترازویی است که با وضع عالم آخرت تناسب دارد و با ترازوهای دنیا

متفاوت است. البته ایشان معتقد است که نباید گمان نمود اعمال انسان دارای وزن است و همانند اجسام دنیایی در ترازو گذارده می‌شود. وی بر آن است که میزان خاصی قرار داده می‌شود که با آن، اعمال انسان سنجیده می‌گردد. وی می‌گوید همانند میزان سنجش حرارت در دنیا، یک چیزی متناسب با آخرت وجود دارد. (نجفی خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۲۵۷)

صاحب کتاب تفسیر روشن در ذیل آیه ۸ سوره اعراف می‌نویسد: میزان همان تقدیر و اندازه‌گیری مراتب، مقامات، صفات و اعمال است. وی آنچه را مورد وزن واقع می‌شود، میزان گرفته است. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۸۴)

صاحب تفسیر اثنی‌عشری ذیل آیه ۸ و ۹ اعراف آورده که صحایف اعمال با میزانی دو کفه وزن می‌گردند. وی معیار توزین اعمال را نبی آن امت و اوصیا می‌داند. (حسینی، ۱۳۶۳: ۴ / ۱۶)

صاحب تفسیر احسن‌الحديث در فهم آیه ۴۷ با تأکید بر ذیل آیه ۱۰۲ سوره مؤمنون و آیات ۶ تا ۹ سوره قارعه آورده است: از این آیات معلوم نمی‌شود که مراد از ثقل و موازین چیست، اما از جمله «و الوزن یومئذ الحق» که کلید فهم همه این آیات است، می‌توان فهمید که سنگینی و وزین بودن عمل مطابق واقع بودن آن است و دیگر اینکه موازین، همان اعمال است؛ آن هم اعمال نیک که ثقل آنها موجب فلاح است. در روز قیامت ترازوهای عدالت نصب خواهد شد و وقتی ثقیل بودن اعمال روشن شد، اندازه آن با ترازوها معلوم می‌شود. اعمال بد و خوب دارای وزن واقعی هستند، ولی اعمال جوهرند، نه عرض. مثلاً گناهان مسلمانان و کفار از لحاظ اینکه جوهر و انرژی هستند، وزن و ثقل دارند، اما از جهت اینکه حق نیستند، باطل و پوچ‌اند و وزنی ندارند. ایشان می‌گویند: وزن؛ یعنی حق بودن، اما توزین؛ یعنی مقایسه نمودن با انبیا و اوصیا. (قرشی، ۱۳۷۷: ۳ / ۳۷۳ - ۳۷۰)

علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان معتقد است که مراد از وزن، حساب اعمال و یا سنگینی اعمال است. اما میزان اعمال از قبیل ترازو و قیان نیست تا فرض تساوی دو کفه در آن راه داشته باشد. از ظاهر آیات (انبیاء / ۴۷؛ زلزال / ۸) استفاده می‌شود که عمل نیک موجب ثقل میزان و اعمال بد موجب خفت آن می‌گردد. علامه می‌گوید: وزن در آیه ۶ اعراف به معنای ثقل است، نه به معنای مصدری‌اش (سنجیدن). در حقیقت میزان همان مثقال و خروار است، نه ترازو و قیان و باسکول. اگر در آیاتی همچون ۱۰۳ مؤمنون و ۱۱ قارعه آن را به صیغه جمع (موازین) آورده، برای این است که بگوید میزان اعمال یکی نیست، بلکه برای هر کسی برحسب اختلاف اعمال وی، میزان‌های مختلفی وجود دارد.

ایشان معتقد است معنای وزن اعمال در قیامت تطبیق اعمال با حق است؛ به این معنا که هر شخصی پاداش نیک او به مقدار حقی است که عمل او مشتمل بر آن است و اگر هیچ مقدار

از عملش بر حق مشتمل نشد، او مستحق عذاب است. این همان توزین اعمال است.

(طباطبایی، ۱۳۷۷: ۸ / ۹ و ۱۲، ۴ / ۲۹۹)

صاحب تفسیر *انوار درخشان* بر این باور است که ثقل و ارزش عمل، به حسن و نیکویی و شعار عبودیت آن است و حقیقت خواری و پستی عمل اختیاری نیز به قبح و زشتی و خودستایی آمیخته به آن است که سبب مذلت و خواری فاعل می گردد. موازین و محاسبه اعمال در روز قیامت نیز مترتب بر اعمال ارادی هر فرد و به اقتضای همان عمل است.

وی همچنین معتقد است اعمال جوارحی و افعال اختیاری بشر از مقوله حرکت بوده و زوال پذیر است و هرگز بقا ندارد. در این صورت سنجش عمل سیرت آن، تأثیری است که بر روان فاعل مختار (به لحاظ صفا و نورانیت و یا تیرگی) نهاده و آثار و علایمی در جوهر وجود فاعل از آنها آشکار است و وزن و سنجش اعمال در قیامت، تطبیق عمل انسان ها با حق و حقیقت و با قدر و سهم بهره ای است که از ارزش وجودی خواهد داشت. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۱ / ۵۵ - ۵۴)

صاحب تفسیر *الکاشف* ذیل آیه ۸ سوره اعراف می نویسد: میزان، مقیاسی است برای تمییز میان اطاعت از خدا و عصیان در برابر او و خباثت از طهارت. این مقیاس تنها امر خدا و نهی خداوند است. از این رو اگر اعمال را در مقایسه میان امر و نهی خدا قرار دهند، معین کننده میزان فلاح یا خسران اوست. وی معتقد است که قرآن کریم مطلق میزان بوده و میزان اعمال نیز همان ضوابط در قرآن است. (مغنیه، ۱۹۶۸: ۳ / ۳۰)

صاحب تفسیر *جامع البیان* در ذیل آیه ۴۷ سوره انبیاء می نویسد: موازین همان عدل و قسط است. اهل تأویل معتقدند قسط معیار داوری حسنات و سیئات است. طبری از ابن زید نقل می کند که «اتینا بها»؛ یعنی «کتبنا و احصیناله و علیه»؛ یعنی اعمال او را نوشتیم و نیک و بدش را حاضر کردیم. وی به نقل از مجاهد می نویسد: وزن همان حق است، تمامی اعمال اگر به اندازه خردل باشد، حساب می شود. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۷ / ۲۵)

زمخشری در تفسیر خود ذیل آیات ۸ و ۹ سوره اعراف وزن را همان عدل و توزین صحایف اعمال می داند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۶۹)

وی عبارت «الموازین» را مبالغه دانسته، هم به «قسط» و هم به «عدل» توصیف شده، بدین معنا که گویی ترازو خود قسط است. ایشان درباره در میان نهادن ترازو دو نظریه مطرح کرده است:

۱. انجام حسابرسی برابر و کامل با آنچه انجام داده است؛

۲. ترازوی حقیقی در میان نهند و اعمال بندگان با آن وزن کنند. (همان: ۲۰۸)

صاحب تفسیر بیان السعاده بر این عقیده است که میزان صحت و سقم اعمال، عقل است؛ به خصوص عقل کامل؛ یعنی نبی الله ﷺ و آله الطاهرين ﷺ. وی معتقد است که میزان اعمال در معاد، اتصال به نبی ﷺ است با کیفیت مخصوصی که نزد آنهاست. سنگینی این میزان نیز به این است که اعمال به پیامبر اکرم ﷺ و جانشینانش متصل باشد و بتواند پیامبر را به طرف عمل کننده جلب نماید (یا به عکس). از آنجاکه هر یک از دو صفحه نفس عمّاله و علامه دو جهت سفلی و علوی دارد، جای تعجب نیست که آن دو جهت در روز عرضه کردن، به صورت دو کفه ظاهر شود و مانند آن در آخرت ظاهر گردد. از این رو به نظر ایشان اشکالی ندارد که در آخرت ترازویی باشد تا اعمال را وزن کند. ایشان اتصال به امام معصوم را اساس ثقیل بودن اعمال می‌داند و برای هر نوع اتصالی نیز مراتبی قائل است. وی در مورد میزان اعمال در قیامت می‌گوید: عقل کامل معیار تمییز و سنجش اعمال هستند؛ به ویژه پیامبر اکرم و اولیای مطهر ایشان با تفکیک میان عقل جزئی برای تدبیر دفع ضرر و جذب نفع در امور مربوط به معاش و اتصال به پیامبر و اولیای مطهرش در قیامت با کیفیت مخصوصه‌اش و مقدار توجه قلبی به ایشان و مقدار کمی و زیادی اتصال به ایشان اعمال و احوال و اقوالشان توزین می‌گردند. (گنابادی، ۱۴۰۸: ۵ / ۲۴۲ - ۲۳۹)

ابن‌عاشور در تفسیر آیه ۴۷ سوره انبیاء ضمن برشمردن چند دیدگاه قائل به رأی جمهور گشته و بیان می‌کند که در قیامت موازینی شبیه آنچه متعارف است، وجود دارد. وی به همان روایت ابن‌عباس مبنی بر وجود ترازویی با کفه‌های بسیار بزرگ اشاره می‌کند. (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۸ / ۲۴)

صاحب تفسیر البحر المدید بر این باور است که میزان عدل بوده و نحوه محاسبه نیز از طریق صحایف اعمال است: «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقَسُطَ؛ و ما ترازوهای عدل را می‌گسترانیم؛ یعنی میزان‌هایی قرار می‌دهیم که اعمال با آن سنجش شوند. «وضع المیزان» نیز تحقق یافتن عدل و پاداش به تناسب اعمال نیک و بد است». (ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹: ۳ / ۴۶۸)

ابوالفتوح رازی عقیده دارد که مقیاس سنجش اعمال، نیکی هاست و مقصود از موازین نیز انبیا و اوصیای ایشان است. بنابر آنکه در قیامت اعمال مجسم می‌شود و حسن عمل در ثقل میزان صاحبش اثرگذار است و حکمت میزان انذار گناهکار و بشارت نیکوکار است، باید برخی روایات را حمل بر تقیه کرد. (رازی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۳۷)

صاحب کشف الأسرار در شرح آیه ۴۷ انبیاء می‌نویسد: حاضران در قیامت دو گروه‌اند: مؤمنان و کافران. کافران اعمالشان وزنی ندارد و به دوزخ روند و مؤمنان حسناتشان بر سیناتشان افزون باشد؛ پس به بهشت روند. اما قومی که حسنات و سیناتشان برابر باشند، پروردگار از دوستان و برادران

رفیق او که مؤمن باشند، بهره‌ای برمی‌گیرد و به او بدهد تا حسنائش فزونی یابد و بهشت برود. (میبدی، ۱۳۶۱: ۶ / ۲۳۸)

سیوطی می‌نویسد: «یوضع المیزان يوم القيامة فيوزن الحسنات والسيئات فمن رجحت حسناته على سيئاته دخل الجنة و من رجحت سيئاته دخل النار؛ در روز قیامت میزان قرار داده می‌شود تا خوبی‌ها و بدی‌ها وزن گردد. پس کسی که خوبی‌هایش بر بدی‌هایش برتری داشته باشد، وارد بهشت می‌شود و هر کس بدی‌هایش بیشتر باشد، به جهنم می‌رود». (سیوطی، ۱۴۲۱ ق: ۳ / ۶۶)

صاحب تفسیر المنار آورده است که در کیفیت میزان اختلاف است. وی با تبیین دیدگاه ابن حزم اندلسی می‌گوید: امور مربوط به آخرت تنها از طریق آیات و روایات قابل فهم است و روایات صحیحی نیز وارد نشده که آیا میزان، امری دنیایی است، یا اخروی؟ برخی میزان را عدل و حکم کردن براساس عدالت می‌دانند؛ مانند قتاده و ضحاک. فخر رازی نیز همین معنای اخیر را پذیرفته است. (رشیدرضا، بی‌تا: ۸۸)

نتیجه

محاسبه اعمال مؤمنان براساس میزان و حق است. بر معیار عدل، اعمال نیک ارزش‌گذاری می‌شود و سنگینی اعمال هر مؤمنی با میزان بهره‌مندی او از سعادت و کمال ارتباط می‌یابد. برای اینکه بر مردم حجت تمام گردد و به کسی ظلمی نشود، خداوند خود با معیار عمل انبیا و اوصیا، سنجش را انجام می‌دهد. در قیامت موازین قرار داده می‌شود، نه یک میزان بلکه برای اعمال مختلف انسان و برای هر انسانی - با توجه به مرتبه او - موازینی وجود دارد. مثلاً میزان برای یک انسان دیوانه، متفاوت با میزان برای یک انسان سالم و عاقل است.

تمامی نیات و افعال و افکار و اقوال و تمایلات خوب و بد و نیز آثار مترتب بر آنها و به طور کلی هر ذره‌ای در قیامت محاسبه می‌شود؛ به گونه‌ای که در صورت انکار آدمی، اعضا و جوارح او به امر خدا به سخن درمی‌آیند و گواهی می‌دهند.

از آنچه در منابع تفسیری و بعضی روایات آمده، می‌توان دریافت:

۱. میزان و سنجش اعمال و افعال انسان‌های معتقد به انبیا و شریعت‌ها (به‌خصوص اهل اسلام) در قیامت حتمی است.
۲. بیشتر مفسران، متأثر از قول اولیای الهی معتقدند اعمال را نمی‌توان سنجید (چون ماندگار نیستند)، بلکه صفات اعمال و جواهر اعمال مورد سنجش و میزان قرار می‌گیرد.

۳. عمده مفسران بر این باورند که به حسب فرمایش پیامبر و اولیای الهی وجود ترازو یا دستگاهی سنجش‌گر متناسب با قیامت حتمی است، اما سنجش مانند سنجش دنیایی اجسام نیست.

۴. هیچ مانعی ندارد که دستگاهی اخروی برای سنجش حسنات و سیئات وجود داشته باشد. آیات و روایات نیز معارض این دیدگاه نیست.

۵. عدل مهم‌ترین شاخصه حق است. معیار عدل، عقل کامل و انسان کامل؛ یعنی انبیا برای قوم خود و مردم هم عصر خود و معارف الهی و احکام الهی و امامان معصوم و معیارهای معقول و مشروع و سنن الهی، معیار سایر مردم بعد از آخرین پیامبر است.

۶. در روز قیامت خداوند عهده‌دار محاسبه و توزین اعمال است. اولین کسانی که اعمالشان توزین می‌گردد، انبیا و اولیای الهی هستند که معیار سنجش اعمال ایشان خداوند و دستوره‌های الهی است. معیار سنجش برای سایر مردم در هر دوران نیز انبیای معاصر با آنها، و برای مردم آخرالزمان هم رسول خدا و قرآن و ائمه طاهرین است.

۷. توزین اعمال خوب در مقابل عمل پسندیده است، اما عمل بد وزنی برای میزان ندارد؛ زیرا عمل بد معیار عدل ندارد که بخواهد با بدترین عمل منفی سنجیده شود. از این رو، عمل خوب انسان مؤمن با عمل بد او نیز سنجیده نمی‌شود؛ زیرا عمل خوب دارای مقدار و ارزش است، اما عمل بد نه مقدار دارد، نه ارزش و وزن.

۸. مسائلی که مورد محاسبه قرار می‌گیرد، عبارت است از: مقدار عمر انسان، میزان آگاهی از اوامر الهی و دستوره‌های انبیا و اوصیای الهی، عمل به دستوره‌های عقلی، توانایی در انجام فعل و نیت مثبت و ناتوانی در انجام عمل خیر و نیز ناتوانی ناشی از مختار نبودن در پرهیز از فعل ناپسند. تمامی نیات و افعال و افکار و اقوال و تمایلات خوب و بد و نیز آثار مترتب بر آنها و به‌طور کلی هر ذره‌ای محاسبه می‌شود؛ به طوری که در صورت انکار آدمی، اعضا و جوارح او به امر خدا به سخن درمی‌آیند و گواهی می‌دهند.

۹. با عنایت به آیات ۶ تا ۹ سوره اعراف می‌توان دریافت که هم از پیامبران پرسش خواهد شد و هم از کسانی که پیامبران به سوی آنها فرستاده شدند. از روی علم حالات آنها برایشان تعریف می‌شود خدا غایب و بی‌خبر نیست و سنجیدن اعمال در آن روز قیامت حق است. باید توجه کنیم که قیامت دارای موقف‌ها و ایستگاه‌های گوناگونی است. در برخی از این موقف‌ها از همه سؤال می‌شود، ولی در برخی دیگر از کسی سؤال نخواهد شد و فقط مجازات صورت می‌گیرد. آیاتی که می‌گویند در قیامت از مجرمان سؤال می‌شود، مربوط به موقف اول است، اما آن دسته از آیات که

دلالت دارند بر اینکه سؤال نخواهد شد، مربوط به موقف دوم است. نکته مهم اینکه سؤالی که در یک موقف قیامت از مجرمان خواهد شد، برای کشف حقیقت نیست.

برخی از آیات مربوط به موقف اول عبارت است از:

فَلْتَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلْتَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ * فَلْتَقْصِّنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ * وَالْوِزْنَ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ يَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ. (اعراف / ۹ - ۶) وَفَقَوْهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ. (صافات / ۲۴)

و آنان را نگاه دارید؛ [چرا] که آنان مورد بازپرسی قرار می‌گیرند.

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ. (حجر / ۹۲)

پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید.

و لَيَسْأَلَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتُرُونَ. (عنكبوت / ۱۳)

و مسلماً روز رستاخیز از آنچه [بر خدا به دروغ] می‌بستند، بازپرسی خواهند شد.

آیات مربوط به موقف دوم نیز بدین قرار است:

و لَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ. (قصص / ۷۸)

و [هنگام عذاب این] خلافکاران، از گناهانشان پرسیده نمی‌شود.

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ. (الرحمن / ۳۹)

پس در آن روز هیچ انسان و جن از گناه او پرسش نمی‌شود.

سؤال کردن در این موقف برای اعتراف گرفتن از آنهاست و این خود نوعی عذاب روحی است. برای همین است که در آیه مورد بحث پس از آنکه می‌گوید از مردم سؤال خواهد شد، اضافه می‌کند که کارهای آنها را از روی علم و آگاهی برای آنها تعریف خواهیم کرد تا بدانند که غایب و بی‌خبر نبودیم؛ یعنی آنها هر کاری در دنیا انجام داده‌اند، در حضور ما بوده و ما به‌خوبی از آن آگاه بودیم و در قیامت از کارهایی که کرده‌اند، آنها را خبر خواهیم کرد. از این رو، پرسش از مجرمان برای به دست آوردن اطلاع نیست، بلکه برای اتمام حجت است. بنابراین در روز قیامت عدل حاکم خواهد بود و هر کسی عادلانه به سزای اعمال خود خواهد رسید و اعمال مردم - همان‌گونه که در این آیات آمده - با ترازوی الهی سنجیده خواهد شد؛ به گونه‌ای که هر کس اعمال نیک او سنگینی کند، رستگار شده و هر کس کارهای نیک او سبک باشد، زیان خواهد دید.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.

- آلوسی، شهاب‌الدین سید محمود، بی تا، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج ۳، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، التحریر و التنویر، بی جا، بی نا.
- ابن عجبیه، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ ق، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره، بی نا.
- اسفراینی، ابوالمظفر عمادالدین، ۱۳۵۷، تاج التراجم فی تفسیر القرآن، تهران، علمی و فرهنگی.
- امین اصفهانی، سیده نصرت، ۱۳۶۱، مخزن العرفان فی تفسیر القرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳، تفسیر اثنی عشری، تهران، میقات، ج ۱.
- حسینی همدانی، سید محمدحسین، ۱۴۰۴ ق، انوار درخشان، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی، ج ۱.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، ج ۴.
- رشیدرضا، محمد، بی تا، المنار فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التنزیل، بیروت، دار الکتب العربی، ج ۳.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۲۱ ق، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- شریف لاهیجی، بهاء‌الدین محمد، ۱۳۶۳، تفسیر لاهیجی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی، ج ۲.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن حسین، ۱۳۸۷، توحید، تحقیق سید هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۹۹۷ م، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- _____، ۱۳۸۷، جوامع الجامع، ترجمه حبیب روحانی و علی عبدالحمیدی، مشهد، آستان قدس رضوی، ج ۵.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۴ ق، جامع البیان فی تفسیر آی القرآن، بیروت، دار المعرفه.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ج ۳.

- طیب، سید عبدالحسین ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلامی.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، ج ۳.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۹۱، *تفسیر قرآن*، ترجمه حمید عقیقی بخشایشی، تهران نوید اسلام، ج ۳.
- قمی، محمد، ۱۳۶۸، *تفسیر کنز الدقایق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ ق، *تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۲.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، بیروت، الوفا.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۸۰، *تفسیر روشن*، تهران، مرکز نشر کتاب.
- مغنیه، محمدجواد، ۱۹۶۷ م، *الکاشف فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار العلم.
- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، ۱۳۶۱، *کشف الاسرار و عدّه الابرار*، ج ۶، علی اصغر حکمت، تهران، امیر کبیر.
- نجفی خمینی، محمدجواد، ۱۳۷۸، *تفسیر آسان*، تهران، اسلامیة.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی